

خوش آمد بخندید من بر قابله از وی گرفتم و فرمود ابو عبد الله اخضرى رحمه الله  
مترس بود که ابو عبد الله حضرت را از تصوف سوال کرده و بیست سال بود که  
نکته بود سرا از آن جواب گفت که رجاء صدق ما عاهدوا الله فنتم صفت  
ایشان چیست گفت لا یرتد البهیم طرفهم و اقدتهم صوماً کفتم بحمل ایشان از حمل  
کیاست گفت و معتقد صدق عند یلک معتقد کفتم زیارت کن گفت ان السمع  
والبصر والاعواد کلها اولئک کان عنه مسئولاً ابو عبد الله السالو فی  
الله تعالی رقی نام وی احمد بن السالم المصلی بصره بوده شاگرد سهل بن  
سوسل یا شصت سال او می بوده و طریقت از وی گرفته شیخ الاسلام و گفت  
که ابو عبد الله سالی گفته بود که الله تعالی در این همه چیز میدید وی را می کرد  
بدین سبب شیخ ابو عبد الله خفیف کوپد که این قدم در هر بود شیخ الاسلام و گفت  
که ابو عبد الله خفیف اضاغ نداده است ممکن است که او در بار علی گفته باشد  
ابو عبد الله سالی با پرسیدند که بچه چیست شناسند اولیاء الله را در میان خلق  
گفت بطافت زبان و حسن اخلاق و تازه روی و سخای نفس و قلقت اعراض و پذیر  
عنه هر که عند خواهد پیش ایشان و تمامی ثقیفتر همه خلق بشکوا را ایشان و دیگر  
ایشان و هنر وی گفته که در این وقت کبکد دوستی است با ابوالحسن محمد علی  
ابن عطیه الحارثی المکی رحمه الله و می صاحب قوت القلوب است که جمع اسرار  
بسیار است و در زمان او در بغداد و در زمان او در بغداد و در زمان او در بغداد

Handwritten marginal notes in Arabic script, including a list of names and dates at the top right, and a large block of text on the right side of the page.

بقعه علی و جلا لارض تر دخل البصره و قدم بغداد و توفی بها فی حادی الاخر سنه  
ست و ثمانین و ثلثمائة و نشت وی در تصوف شیخ عارف ابو الحسن محمد بن ابوالفضل  
احمد بن سالو المصلی و النساب شیخ ابو الحسن سید خرد ابو عبد الله احمد بن سالو  
و النساب پدر سید بن عبد الله تستری قدس الله تعالی را زوجه ابو عبد الله  
چهارم بود صوفی همدانی شیخ از کبار مشایخ است چاره نام جا بابت شهر روم  
وی بود که عهد کرده بود که چیزی که مراد از آن برسد و نفوذ بشود بخورد و قوی در عهد  
توفیق بود طعام و زردند دل وی از آن بر میدی خورد با آن وی را گفتند هر  
خلاف کنی بخورد در دوزخ است و مسجد ماند وی را اجتنام اقاد در خواب با وی  
گفتند چیزی خوردی که دل تو از آن برسد ندان که بشود یا نه وی گفته که از شیخ  
ابو یزید نفاق مصری پرسید که صحبت با که دارد گفت با آنکه هر چه الله  
از تو نداند با او بگوئی از تو زرد و از تو شیخ الاسلام گفت که قول و صحبت  
پس از عیب دیدن درست آید که آدمی محرم عیادت چون بهر و بگوئی صحبت  
چون عیب دید آید صحبت بری آن نه صحبت است صحبت پس از شناخت عیادت  
مگر عیب دیدی و بدعی باشد که آن در است که چشم از آن پوشیدن مدهانت  
و مخشقی بود در برین مگر بضرورت آن عیب که نه در دوزخ است و بدعت باشد جد بود  
ادمی نه معصوم است از وی عیب و جرم آید که لغو و جهول و ظلم و است  
سوالی الله عنه که نه دوست تو بود هر که زنا با او مدارا با بد کرد شیخ الاسلام

زقاق بنی زامیر و تازنده  
دعوت و قنات

یعنی بسیار کمره گفته است  
دو سالی در حبل و سالی